

با بنیان وضع موجود (1)

محسن‌ها شمیر فسنجا نی

استفاده پر رونق از «اصطلاح بانیان وضع موجود» در دولت جناب آقای ریسی در تحلیل‌ها و مقالات زیادی دیده می‌شود. اکثراً می‌نویسند دولت فعلی و همراهان نقشی در وضعیت موجود نداشته، گویا این دولت در نتیجه یک دگرگونی و انقلاب به قدرت رسیده است، البته به این نوع قضاوت و نتیجه‌گیری ابهامات متعددی وارد است که تلاش دارم در مجموعه یادداشت‌ها با تامل در موضوع «بانیان وضع موجود» به کالبدشکافی آن پردازم.

نخست: بانیان وضع موجود با بانیان مشکلات موجود، متفاوت است. در اولی تمامی شرایط فعلی و نقاط مثبت و منفی در کنار هم در نظر گرفته می‌شود و در دومی، تنها در پی مقصران و عامل مشکلات می‌گردیم و از توجه به نقاط مثبت خودداری می‌کنیم، طبیعی است اینکه ما تمام نقاط مثبت و دستاوردها را متوجه خودمان و سلیقه سیاسی‌مان و جناح‌مان بدانیم و تمام مشکلات و کمبودها و ضعفها را به دیگران نسبت بدهیم، خود را خوب و آنها را مقصر و بد جلوه دهیم، از انصاف به دور است. بدون تردید در وضعیت فعلی جامعه ما، همه مسوولان گذشته و حال اثرگذار بوده‌اند، نقاط مثبت و دستاوردها در کنار نقاط منفی و مشکلات حاصل کار آنهاست، پس برای تعیین میزان اثرگذاری و قضاوت درباره کارنامه هر یک از مسوولان باید نقش آنها در این نقاط مثبت و نقاط منفی باهم در نظر گرفته و ارزیابی شود.

دوم: وضع موجود ایران فقط نتیجه تصمیمات امروز یا امسال نیست، هرچند تصمیمات اخیر ممکن است تاثیر زیادی بر وضعیت فعلی داشته باشند اما نباید از اثرگذاری تصمیمات گذشته نیز غافل شد. در یک نگاه علمی برای ریشه‌یابی وضعیت امروز جامعه دست‌کم باید دوره معاصر، یعنی یکصد سال گذشته را در نظر گرفت که حاصل عملکرد نظام‌های گذشته و فعلی است، انصاف این است که با همه انتقاداتی که به عملکرد نظام گذشته داریم نباید اقدامات مثبت آن دوره و ایجاد زیرساخت‌ها را انکار کرد و با همه ارادت و اعتقادی که به انقلاب داریم، نباید از اشتباهات دوره فعلی چشم‌پوشی کرد، بنابراین برای قضاوت درباره وضع موجود باید تاملی در گذشته داشت و با انصاف درباره آن داوری کرد.

سوم: استفاده‌کنندگان این اصطلاح تخریبی، متوجه نیستند که در نظام ولایت فقیه اکثر راهبردهای کلان و کلیدی در امور مختلف از جمله روابط خارجی، فرهنگ، اجتماع و اقتصاد، امنیت و... در دست دولت نیست. عبور کنیم و به سبک دیگری به مساله نگاه کنیم. نمیتوان وضع موجود را که حاصل 44 سال جمهوری اسلامی و نظام حکومت دینی است از ولایت فقیه جدا دانست و طبیعتاً در ساختاری که در راس آن ولی فقیه قرار دارد، بیشترین تاثیرگذاری را در راهبردهای حاکمیت و عملکرد مسوولان مربوط به مقام رهبری است و درحالی که آیت‌الله خامنه‌ای ده‌ها بار به‌صراحت از کلیت عملکرد نظام دفاع کرده‌اند، نمیتوان به اسم مخالفت با وضع موجود تیشه بر ریشه 44 ساله انقلاب زد و آن را در دست فتنه‌گران یا خائنان یا غربزده‌ها دانست.

چهارم: از نظر فلسفی، مخالفت با وضع موجود توسط اصولگرایان و طیف تندرو، به نوعی به تقابل شعارگرایی با واقع‌گرایی بازمی‌گردد، بانیان وضع موجود را میتوان در تفاوت تفکر ایده‌گرایی (idealism) و واقع‌گرایی (realism) و عملگرایی به‌موقع (pragmatism) و در سیاست مصلحت‌گرایی دانست. اینکه به جای ریشه‌یابی مشکلات اقتصادی، آن را ناشی از بی‌توجهی به اقتصاد مقاومتی، انقلابی نبودن مسوولان یا غریب‌دگی آنان نسبت دهیم، چیزی جز شعارگرایی نیست. لذا بانیان وضع موجود آنهایی هستند که نگذاشتند دولتها براساس رایي که از مردم گرفته‌اند عمل کنند و باعث اجرای دوگانگی در اجرای سیاست‌های غلطی شدند که متأسفانه هم‌اکنون مسوولیت آن را نیز به عهده نمی‌گیرند. آیا واقعا اگر اقتصاد کشور به دلیل تحریم‌ها ضعیف شود و تا مرز تورم 60 درصدی پیش رود و امکانات مقابله با آن در اختیار نباشد - و به شرایطی برسیم که قدرت هسته‌ای باشیم یا نباشیم اقتصاد کشور را با این روش‌ها درست کنیم. چرا که با مصوبات شورای امنیت و تحریم‌ها و قبلاً خروج ترامپ از برجام به بالا و پایین رفتن قیمت ارز و نتیجه مذاکرات متصل می‌گردد و چرا باید داشتن بیشترین ذخایر گاز و نفت در کشور، به رشد اقتصادی منفی و نرخ بیکاری 25 درصد و تورم بیش از 50 درصد را تجربه کنیم و چرا باید «جمهوریت» نظام در مقابل «اسلامیت» ضعیف گردد و نگاه مردم به سمت براندازان خارج‌نشین و اخیراً داخل‌نشین به جای معتدلین و اصلاح‌طلبان تغییر مسیر دهد؟ یا چرا علی‌رغم پیشرفت نظامی، صنایع کشور نتواند پا در عرصه بین‌المللی نهاد و حتی مردم ایران را راضی نگهدارد؟ و چرا نباید دو لبه تیغ فناوری هسته‌ای عاقلانه نگاه شود و به صورتی استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر با استفاده از خورشید و باد به فراموشی سپرده شود؟ و در نهایت چرا باید تك صدایی باعث شود حتی آنان که برای سربلندی ایران به اسارت و به جانبازی تن داده‌اند،

در مقابل نظام مورد علاقه خود قرار گیرند؟ بنا براین در این سلسله مقالات تلاش می‌کنیم تا با تقسیم دوره معاصر به چهار بخش، قبل از انقلاب، دوران جنگ و دهه نخست، دوران سازندگی و اصلاحات، دوران چالش هسته‌ای به ریشه‌یابی وضع موجود بپردازیم.

منبع: روزنامه اعتماد 28 تیرماه 1401 خورشیدی